



الف



دانشگاه آزاد اسلامی

واحد تفت

دانشکده حقوق

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته حقوق

گرایش حقوق جزا و جرم شناسی

عنوان:

دیدگاههای نو در رابطه با جرم ارتداد

استاد راهنما:

دکتر علی مزیدی شرف آبادی

نگارنده:

محمد نبی زاده کفشگر

تابستان 1393

ب

سپاسگزاری:

با سپاس از زحمات بی‌شائبه استاد محترم جناب آقای دکتر علی مزیدی شرف آبادی که بار علمی این تحقیق را مرهون راهنمایی‌های ارزشمند و دلگرمی‌های صادقانه‌شان می‌دانم، و در دوران تحصیل نیز زحمات فراوانی را برایم متحمل شدند. از خداوند منان سلامتی و توفیقات روز افزون را برایشان خواستارم.

1	چکیده
2	مقدمه
3	فصل اول: کلیات
3	1-1 بیان مسئله
4	2-1 سوالات تحقیق
4	3-1 فرضیه های تحقیق
4	4-1 پیشینه تحقیق
5	5-1 روش تحقیق
5	6-1 سازماندهی تحقیق
6	فصل دوم: مفاهیم کلی و مبانی نظری جرم بودن ارتداد
6	1-2 تعریف ارتداد
6	2-2 اقسام ارتداد
7	3-2 شرایط تحقق ارتداد
7	1-3-2 بلوغ
8	2-3-2 کمال عقل
8	3-3-2 اختیار
8	4-3-2 علم به مضمون لفظ
9	5-3-2 قصد داشتن به مدلول لفظی و انکار آن بطور جدی
9	4-2 راههای اثبات ارتداد
9	1-4-2 اقرار
10	2-4-2 شهادت دو مرد عادل

- 10.....5-2 کیفر ارتداد.....
- 10.....1-5-2 کیفرهای مرتد فطری از نظر امامیه.....
- 11.....2-5-2 کیفرهای زن مرتد فطری از نظر امامیه.....
- 12.....3-5-2 کیفرهای مرتد ملی از نظر امامیه.....
- 12.....4-5-2 کیفرهای مرتد از نظر اهل سنت.....
- 12.....1-4-5-2 کیفرهای مرتد از نظر حنیفه.....
- 13.....2-4-5-2 کیفرهای مرد مرتد از نظر حنیفه.....
- 14.....3-4-5-2 کیفرهای زن مرتد از نظر حنیفه.....
- 14.....4-4-5-2 کیفرهای مرتد از نظر مالکیه.....
- 15.....5-4-5-2 کیفرهای زن مرتد از نظر مالکیه.....
- 15.....6-4-5-2 کیفرهای مرتد از نظر شافعیه.....
- 16.....7-4-5-2 کیفرهای مرتد از نظر حنابله.....
- 17.....6-2 ملحقات حکمی ارتداد(توابع ارتداد).....
- 18.....1-6-2 ساحر.....
- 19.....2-6-2 زندیق در فرهنگ اسلامی.....
- 19.....3-6-2 دشنام دهنده به پیامبر اسلام و دیگر پیامبران.....
- 21.....4-6-2 پوشیدن زنار و لباسهای مخصوص کفار.....
- 21.....5-6-2 کسی که قائل به تناسخ باشد.....
- 22.....فصل سوم: رویکردهای ارتداد در فقه و حقوق موضوعه.....
- 24.....1-3-1 تعریف و مصادیق مهدور الدم در فقه.....
- 26.....1-1-3 متولی قتل مرتد از نگاه فقه.....
- 31.....2-1-3 نظر گاه حقوق موضوعه در قتل مرتد.....
- 31.....3-1-3 واکنش قانون در مقابل ارتکاب قتل مرتد.....
- 38.....4-1-3 ارتداد و چرایی سقوط مجازات در حقوق موضوعه.....

- 2-3 نظریه های حقوقی کیفر مرتد در فقه 39
- 1-2-3 رویکرد انکار 40
- 2-2-3 رویکرد تحلیل 43
- 3-2-3 گرایشات سیاسی 43
- 4-2-3 گرایشات اجتماعی 44
- 5-2-3 گرایشات فردی 45
- 6-2-3 رویکرد تقیید 46
- 3-3 کیفر ارتداد با حکم حکومتی 54
- 1-3-3 حکم حکومتی و شیوه بازشناسی آن 55
- 2-3-3 بررسی ماهوی حکم مرتد 58
- 3-3-3 فضای صدور حکم قتل مرتد 58
- 4-3-3 قواعد کلی در مورد مرتد 61
- 5-3-3 شرایط مختلف ارتداد 65
- 4-3-3 ماهیت تعزیری حکم مرتد 69
- 1-4-3 به کار نگرفتن تعبیر حد در روایات 70
- 2-4-3 تعابیر فقها در مورد کیفر مرتد 70
- 3-4-3 انعطاف پذیری کیفر مرتد در قرآن 71
- 4-4-3 انعطاف پذیری کیفر مرتد در روایات 72
- فصل چهارم: نظریه های موجود پیرامون ارتداد 76
- 1-4 بحث آزادی عقیده از منظر حقوق بشر 76
- 1-1-4 آیا اجرای حکم ارتداد موجب بی قانونی است؟ 77
- 2-1-4 حقوق و آزادی عقیده و بحث توبه 81
- 3-1-4 آیا اجرای حکم ارتداد موجب وهن است؟ 82

86	4-1-4 تعریف مبانی و اهداف حقوق
87	5-1-4 رابطه مبانی و اهداف حقوق
96	6-1-4 اختلاف نظر دانشمندان وفلاسفه حقوق در زمینه مبانی و اهداف
98	7-1-4 معلول اختلاف نظر در مبانی و اهداف
99	2-4 علوم سیاسی و آزادی عقیده
100	1-2-4 نظر مکتب سیاست قدرت
100	2-2-4 دولت و افکار عمومی
104	3-2-4 روانشناسی عقیده
108	3-4 نمونه ای از رای دادگاه در مورد جرم ارتداد
111	فصل پنجم: نتیجه گیری و پیشنهادات
111	1-5 نتیجه گیری
112	2-5 پیشنهادات
115	فهرست منابع و مآخذ
121	Abstract

چکیده

تمامی مذاهب فقهی اسلامی مواردی را برای تحقق ارتداد شرط می دانند، و برخی از شرایط تحقق ارتداد، مورد قبول بعضی از مذاهب فقهی نیست. شرط تشخیص ارتداد شهادت دو مرد شاهد عادل و اقرار دو بار مرتد است. همچنین هر کار یا سخنی که آشکارا دین را انکار یا مسخره کند موجب اثبات ارتداد می گردد. برخی از فقهای امامیه، توبه مرتد فطری را نمی پذیرند و گروه زیادی از آنان همانند اهل تسنن، توبه مرتد فطری را می پذیرند. درباره مرتد کیفرهایی همچون محرومیت از ارث، زندان ابد، تقسیم اموال، اعدام و... بیان شده است. امامیه در مورد زن و مرد مرتد و نیز در مورد مرتد ملی و فطری به کیفرهای متفاوتی معتقدند و همانند حنیفه به اعدام زن مرتد حکم نمی کنند هر چند که مرتد فطری باشد. علاوه بر مرتد، که کیفرهای خاص خود را دارد، مواردی همچون ساحر، زندیق، دشنام دهنده به پیامبران، پوشیدن لباس خاص کفار و اعتقاد به تناسخ که تحت عنوان ملحقات حکمی به آنها اشاره شده است، احیانا کیفرهایی شدیدتر از کیفر ارتداد دارند. نظر فقهای امامیه و اهل تسنن در خصوص موارد یادشده گاهی یکسان و گاهی متفاوت است. در پایان در بحث ارتداد و آزادی، به ملحقات حکمی ارتداد، علت موجهه یا عذر قانونی، نظریه های حقوقی کیفر مرتد در فقه، محدود نمودن شمول مصادیق ارتداد با دیدگاههایی بحث آزادی عقیده از منظر حقوق بشر و حقوق بین الملل و همچنین رابطه ارتداد و آزادی اشاره شده، و چکیده سخن در این باره این است که هر چند افراد در انتخاب دین آزاد هستند ولی این دلیل نمی شود که پس از انتخاب دین، برای کنار گذاشتن و تغییر آن نیز آزاد باشند، چون آزادی در ارتداد و تغییر کیش و آیین، مشکلاتی را برای اسلام و پیروانش پدید می آورد.

واژه های کلیدی:

ارتداد، مرتد ملی، مرتد فطری، آزادی

مقدمه

ارتداد یکی از مباحث فقه سیاسی اسلام است که از اهمیت زیادی برخوردار است و آیات و روایات زیادی به آن اشاره دارند. از آنجا که در فقه اسلام احکام و مجازاتهای خاصی برای ارتداد بیان شده، دستاویزی برای مخالفان اسلام گردیده که برای انتقاد از اسلام از آن یاری بگیرند، لذا طرح این موضوع که ارتداد چیست و شرایط و موجبات آن کدامند، حائز اهمیت است. همچنین با توجه به آزادی در عقیده و انتخاب کیش و آیین و دیگر وجوه آزادی که اسلام نیز به آن اعتراف دارد، این تصور پیش می آید، که چرا ارتداد از جرمهای موجب مجازات به حساب آمده است. به همین دلیل سخن گفتن از ارتداد و مسایل مربوط به آن موجه می نماید. همه مذاهب اسلامی، ارتداد را جزء جرمهای موجب مجازات دانسته اند، اما برخی از مذاهب فقهی اسلامی ارتداد را جزء حدود برشمرده اند و برخی هم واژه تعزیر را برای آن مناسب دانسته اند، از آن میان بسیاری از فقهای شیعه هنگامی که از حدود نام برده اند، جرمهایی همچون زنا، قذف، شرب خمر، سرقت و محاربه را بطور صریح تحت عنوان حد ذکر نموده اند و برخی از جرمهای دیگر از قبیل ارتداد را تحت عناوین دیگری از قبیل "کیفرهای گوناگون" یا "خاتمه در کیفرهای دیگر" مورد بحث قرار داده اند. و برخی از فقها هم تحت عنوان تعزیرات از ارتداد سخن به میان آورده اند، چنانکه شهید اول تحت عنوان "عقوبات متفرقه" که پس از حدود آمده، از چند جرم نام برده که یکی از آنها جرم ارتداد است، همچنین امام خمینی (ره) پس از حدود، زیر عنوان خاتمه فی سایر العقوبات، از جرم ارتداد و برخی جرمهای دیگر بحث نموده اند. همچنین مرحوم شعرانی در شرح کتاب تبصره علامه حلی تحت عنوان حد مرتد، از جرم ارتداد سخن گفته است. مرحوم محقق حلی نیز در کتاب شرایع ذیل عنوان "کتاب الحدود و التعزیرات"، از جرم ارتداد سخن گفته و آن را از جرمهای تعزیری برشمرده آقای دکتر فیض نیز ارتداد را از جرایم تعزیری می داند و گفته است: "ارتداد بنا بر تحقیق یکی از جرایم تعزیری است که میزان کیفر آن به وسیله حاکم شرع معین می شود ولی چون در زمان ائمه (ع) کیفری خاص درباره آن اجرا شده، فقها احتیاط می کنند و همان کیفر را برای مرتد فتوا می دهند".

در میان مذاهب چهار گانه اهل تسنن، شافعیه و مالکیه ارتداد را از جرایم موجب حد دانسته اند و حنابله و حنیفه را از جرایم موجب تعزیر به حساب آورده اند، بدین گونه که مالکیه جرایم موجب حد را که ارتداد نیز از جمله آنهاست - هشت مورد دانسته اند، همچنین شافعیه جرایم موجب حد را هفت مورد برشمرده اند که یکی از آن جرایم، جرم ارتداد است.

فصل اول: کلیات

1- آیین مسئله

بحث ارتداد از مباحث مهمی است که ابعاد گوناگون آن در علم فقه، و حقوق جزایی قابل پیگیری است. این بحث از سوی فقهای بزرگوار با استناد به روایات فراوانی که از ائمه اطهار(ع) نقل شده، با صبغه فقهی مطرح گردیده و در بسیاری از کتب فقهی طی قرون متمادی، ثبت و ضبط است. ایراد شبهات و اشکالات گوناگون کلامی با استناد به اصولی که در قرون اخیر از سوی مکاتب فلسفی غرب مطرح شده و تعارضی که میان احکام ارتداد با مقولاتی چون حقوق بشر، آزادی عقیده و آزادی بیان با مفهوم غربی آن، احساس می شود، اهمیت بررسی این بحث را در ابعاد مختلف دو چندان ساخته است. هر چند بسیاری از شبهات مطروحه باید در حوزه مباحث کلامی پاسخ داده شود و مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد، اما پرداختن به این مسأله از نظر فقهی و حقوق جزایی نیز در جهت روشن شدن پاره ای از ابهامات سودمند است چرا که مطابق ماده 26 قانون مطبوعات آمده است هرکس بوسیله مطبوعات به دین مبین اسلام و مقدسات آن اهانت کند، در صورتی که به ارتداد منجر شود، حکم ارتداد در حق وی صادر و اجرا و اگر به ارتداد نینجامد، طبق نظر حاکم شرع بر اساس قانون تعزیرات با وی رفتار خواهد شد، که در این ماده از ارتداد صحبت شده است اما بطور دقیق تعیین مجازات نشده است. بحث ارتداد از مباحث دشوار فقهی، حقوقی است به طوری که نه اجماع و اتفافی بین علمای اسلام وجود دارد و نه اجماع و اتفافی میان علمای امامیه و نه میان علمای اهل سنت؛ در کیفیت طرح بحث میان آنان اختلاف نظر وجود دارد. خوشبختانه یا متأسفانه اشکالات و شبهات متنوع حقوقی در بحث ارتداد مطرح شده که تأمل و دقت در آنها بر غنای مبحث ارتداد می افزاید. مثلاً آیا احکام ارتداد با تکلیف مالایطاق هماهنگی دارد؟ با آیه مبارکه "لا اکراه فی الدین" چگونه سازگار است؟ با مسلمات اصول و مبانی دینی ما چگونه سازگار است؟ رابطه آن با آزادی فکر، آزادی قلم، آزادی بیان که در یکصد سال اخیر در جامعه ما مطرح شده اند چیست و چه نسبتی با این مباحث دارد؟ در این پژوهش سعی بر آن است تا با توسل به پویایی فقه شیعه به بسیاری از مواردی که بخاطر بدفهمی و کج فهمی در حیطه و مصداق مرتد جای گرفته اند اشاره شود و نشان دهیم که بسیاری از این موارد شامل حکم مرتد نمیشوند و احکام و اصول اسلام را بد یا کج دریافته ایم. بنظر می رسد با توجه به مهم و خطیر بودن

این بحث در حوزه مباحث جزایی و هجمه تبلیغاتی غرب مبنی بر نقض حقوق بشر از سوی ایران اهمیت این رساله و لزوم پژوهش در این حیطة موضوعی بهتر درک می شود.

1-2 سوالات تحقیق

الف) سوال اصلی

آیا در نظام کیفری ایران مصادیق جرم ارتداد بصورت دقیق و حصری مشخص شده است؟

ب) سوال فرعی

آیا در نظام کیفری ایران و اسلام بحث ارتداد با مسئله حقوق خصوصی افراد من جمله آزادی بیان در تزامن نیست؟

1-3 فرضیه های تحقیق

الف) فرضیه اصلی

در حقوق کیفری ایران در بعضی از قوانین مانند (ماده 26 قانون مطبوعات) ارتداد بدون تعیین مجازات جرم‌انگاری شده است.

ب) فرضیه فرعی

ارتداد در حقوق کیفری اسلام و ایران هیچگونه منافاتی با حقوق خصوصی افراد از جمله آزادی بیان ندارد.

1-4 پیشینه تحقیق

لازم به ذکر است که در این حیطة موضوعی جست‌وجوی گریخته تحقیقاتی در روزنامه ها و مقالاتی در نشریه ها کار شده است. بطور مثال در فقه جزایی آقای مرعشی شوشتری به طور مبسوط به این مبحث ورود نموده اند. و در نشریه فرهنگ آقای حسین رضایی در شماره 12، سال 85 مقاله ای با عنوان نقدی پیرامون مرتد ملی به چاپ رسانده اند. و همچنین پایانامه ای در سال 78 در دانشگاه تهران در مقطع ارشد با عنوان مرتد فطری کیست توسط خانم مریم دهقانی دفاع شده است. و بیشتر تحقیقات انجام شده در قالب بررسی چیستی و تشریح این جرم صورت گرفته است بطور مثال مقاله ای تحت عنوان مرتد از منظر فقه امامیه در نشریه حوزه شماره 16 در سال 81 توسط حجت الاسلام حسین محمد زاده به چاپ رسید و بیشتر تحقیقات انجام شده حول محور تشریح مرتد ملی و فطری و بیان تفاوت بیا این دو میباشد. اما تحقیقی دقیقا

با این حیطة موضوعی که به جنبه هایی از بحث ارتداد اشاره کند با هدف تشریح مفصل این موضوع و بیان حدود و ثغور تام آن تا کنون انجام نشده است به نوعی ما در این تحقیق در صدد واکاوی و تشریح کامل مفهوم و مصداق ارتداد با توسل به پویایی فقه شیعه و بیان دیدگاههای نو در صدد مضیق کردن دامنه شمول ارتداد هستیم.

1-5 روش تحقیق

در این تحقیق نظر بر این است که وضعیت حقوقی موجود مورد بررسی قرار گیرد و علاوه بر مطالعه و بررسی شرایطی که فعلا موجود است با کمک و توصیف و تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع آوری شده نتیجه گیری شود که مهمترین نظریات و دیدگاههای اخیر در مورد جرم ارتداد از سوی فقها و حقوقدانان معاصر چیست. لذا روش تحقیق ما روشی توصیفی و توسعه ای خواهد بود زیرا در نهایت توسعه دانش نسبت به موضوع را در پی خواهد داشت و به بسیاری از سوالات مهم پاسخ داده خواهد شد. لازم به ذکر است که روش اصلی گرد آوری اطلاعات در این تحقیق به طریق کتابخانه ای بوده است.

1-6 سازماندهی تحقیق

سازماندهی این تحقیق بدین صورت میباشد که طبق روال معمول رساله های کارشناسی ارشد حقوق در بخش اول به توضیح کلیات پرداخته شده است که شامل بیان مسئله، سوالات و فرضیات تحقیق، پیشینه تحقیق و همچنین شیوه و روش تحقیق میباشد. بخش دوم شامل تعریف لغوی، اقسام و شرایط تحقق جرم ارتداد و همچنین ملحقیات این جرم میباشد و در بخش سوم به علل موجه یا معاذیر قانونی بودن آن اشاره شده است و به نظریات حقوقی کیفر جرم ارتداد در فقه اشاره شده است و در بخش پایانی به بحث آزادی عقیده از منظر حقوق بشر و حقوق بین الملل پرداخته ایم و از مهمترین دیدگاههای موجود در مورد جرم ارتداد به تفصیل سخن گفته ایم.

فصل دوم:

مفاهیم کلی و مبانی نظری جرم بودن ارتداد

1-2 تعریف ارتداد

ارتداد در لغت به معنی برگشتن است، از هر امری که باشد (طیبیان، 1376، 114) و به نظر شیعه در اصطلاح فقه منظور از ارتداد برگشتن از اسلام است پس از گرویدن به آن و این یا با انکار یکی از اصول سه گانه دین اسلام، یعنی توحید و نبوت و معاد صورت می گیرد، یا با انکار یکی از ضروریات دین اسلام به شرط آن که با انکار یکی از اصول سه گانه دین اسلام منجر گردد. (الجبعی العاملی، 1410، 335)

مذاهب فقهی چهار گانه اهل تسنن در تعریف ارتداد تعبیر گوناگونی دارند، حنیفه و مالکیه در تعریف ارتداد گفته اند: "ارتداد آن است که پس از آن که انسان با اقرار به شهادتین دین اسلام را اختیار کرد و ملتزم به احکام آن دو شهادتین شد، کفر را برگزیند". و شافعیه گفته اند: "ارتداد یعنی بریدن از دین اسلام با نیت یا سخن یا کار کفرآمیز". (مجموعه من کبار اساتذہ الفقه الاسلامی، 1411، 402)

تعریفی که حنیفه و حنبله برای ارتداد بیان کرده اند با تعریفی که امامیه از ارتداد ارائه می دهد، تضادی ندارد.

منظور از انکار ضروری دین آن است که آنچه همه مسلمانان آن را حرام می دانند (مثل شرب خمر و خوردن خوک) حلال دانسته شود، یا چیزی که همه مسلمانان آن را واجب می دانند (مثل نماز و روزه و رکات) مورد انکار واقع شود. مذاهب چهار گانه اهل تسنن نیز انکار ضروری دین را موجب خروج از دین اسلام و ارتداد دانسته اند.

2-2 اقسام ارتداد

فقهای شیعه بر عکس اهل سنت، معتقدند که ارتداد به دو نوع ملی و فطری تقسیم می شود. در این خصوص در ترجمه لمعه آمده: "مرتد یا فطری است یا ملی؛ فطری کسی است که متولد شود در حال اسلام پدر و مادر و یا اسلامی یکی از آن دو و بالغ شود بر وصف اسلام به این معنی که از زمان ولادت تا حین بلوغ حکم به کفر وی نشده باشد... ولی جماعتی همان انعقاد نطفه را در حین اسلام یکی از ابویین کافی

دانسته اند، دوم ملی: و آن کسی است که کافر بوده و قبول اسلام نموده و بعد برگشته است یا به انکار اصل اسلام یا انکار امر ضروری آن. " (فیض و مهذب، 1366، 214)

بعضی در تعریف مرتد ملی و فطری گفته اند: مرتد فطری مرتدی است که هنگام بسته شدن نطفه او لااقل یکی از والدین او مسلمان بوده است. مرتد ملی مرتدی است که به هنگام بسته شدن نطفه او والدین او کافر بوده اند. (فیض، 1373، 367)

با توجه به این که اهل سنت، تقسیم ارتداد به دو نوع ملی و فطری را قبول ندارند، برای هر دو حکم یکسانی را بیان می کنند.

2-3 شرایط تحقق ارتداد

ارتداد با شرایط خاصی تحقق می یابد و احکام مربوط به آن اجرا می شود. شرایط تحقق ارتداد عبارتند از:

2-3-1 بلوغ

چون فرد نابالغ مکلف نیست و عمد وی در حکم خطاست، چه مراهق (نزدیک به بلوغ) باشد و چه نباشد.

امامیه این شرط را به طور اجماع قبول دارند. اما از میان فقهای امامیه، شیخ طوسی، اسلام کودک مراهق را قابل قبول دانسته و در صورت خروج وی از اسلام، حکم به ارتدادش نموده و در این خصوص به این روایت استناد نموده که در آن گفته شده: "للصبي اذا بلغ عشر سنين اقيمت عليه الحدود التامة و اقتص منه و تنفذ وصيته"، (النجفی، 1363، 609) یعنی وقتی کودک به سن ده سالگی برسد همه حدود بر وی جاری می شود و قصاص می شود و وصیت وی نافذ خواهد بود. اما دیگر فقهای امامیه این روایت را قابل قبول ندانسته اند. برخی از فقهای شیعه معتقدند کودک و مجنون چنانکه مرتد شوند، باید تأدیب شوند. (امینی، آیتی، 1375، 460)

زیدیه ارتداد و اسلام آوردن کودک را قابل قبول ندانسته اند و به قولی ارتداد وی را صحیح تلقی نموده اند ولی اجرای حد را بر وی منوط به آن دانسته اند که به سن بلوغ برسد. (مجموعه من کبار اساتذة الفقه الاسلامی، 1411، ص 123).

شافعیه و مالکیه از مذاهب فقهی اهل تسنن، برای تحقق ارتداد بلوغ را شرط دانسته اند و لذا به ارتداد کودک حکم ننموده اند. اما حنیفه بلوغ را برای تحقق ارتداد شرط ندانسته اند و برخی از حنابله ارتداد

کودک ممیز را صحیح دانسته اند. برخی از آنان سن لازم برای تحقق ارتداد را ده سال و برخی از ایشان هفت سال ذکر کرده اند. اما طبق نظر دیگری که از احمد بن حنبل نقل شده، ارتداد کودک صحیح نیست تا آن که بالغ شود. (النجفی، 1363، 616)

2-3-2 کمال عقل

ارتداد مجنون مطلق (که جنون مستمر دارد) و مجنون ادواری (که جنون موقت دارد) پذیرفته نیست. امامیه و مذاهب فقهی چهار گانه اهل سنت این شرط را قبول دارند. زیرا فرد مجنون مکلف نیست ولی در خسارات مالی که به دیگران وارد می کند، ملزم به جبران آن است.

از نظر امامیه ارتداد فرد سکران (مست) همانند ارتداد مجنون پذیرفته نیست. حنیفه و حنابله و مالکیه همچون امامیه ارتداد سکران را نپذیرفته اند. حنابله در یکی از اقوالشان و همچنین شافعیه حکم به ارتداد سکران نموده اند و گفته اند که پس از زوال مستی از فرد مرتد می خواهند که توبه کند و چنانچه توبه نکند، کشته می شود. (الغروی، 1419، 655).

2-3-3 اختیار

چنانکه فردی از روی اجبار و اکراه، از اصول دین یا ضروریات آن تبری جوید، بدلیل آیه "الا من اکره و قلبه مطمئن بالایمان" (نحل/106) به ارتدادش حکم نمی شود. همه مذاهب فقهی پنجگانه امامیه و اهل سنت این شرط را قبول دارند.

2-3-4 علم به مضمون لفظ

یعنی فرد به محتوا و مضمون، سخن کفرآمیزی که بر زبان می آورد، علم داشته باشد. پس اگر شخص به مدلول آنچه که می گوید، جهل داشته باشد، به ارتدادش حکم نمی شود. این شرط را صاحب کشف اللثام بیان نموده و گفته: "هر گاه کسی جاهل باشد، و در اثر آن یکی از مسائل ضروری اسلام، چه مسأله وجودی و ایجابی، چه سلبی را منکر شود، این انکار موجب ارتداد نخواهد شد." مرحوم صاحب جواهر به این شرط ایراد گرفته و آن را نادرست دانسته است. (مجموعه من کبارا سائذة الفقه الاسلامی، 255، 1411)

آقای دکتر فیض نیز به این شرط ایراد گرفته و گفته است: "در صورت جهل، انسان در اثبات و نفی مسأله مجهول نمی تواند اظهار نظر کند. پس چگونه در حالت جهل می تواند آن را انکار نماید. حقیقت انکار، عقیده پیدا کردن به طرف مقابل قضیه است که با جهل سازگار نیست ولی اگر نسبت به یکی از مسائل اصولی یا فرعی جهل داشته باشد، مثل آنکه انکار در اثر شبهه ای باشد که برای شبهه کننده پیدا شده،

مثلا در اثر شبهه ای قائل به عدم وجوب نماز قصر در سفر باشد برخی از فقها این قبیل انکار را باعث ارتداد نمی دانند. "(فیض، ب، 417، 1373).

در فرض دوم، می توان علم مرتد به مدلول لفظ را از شرایط تحقق ارتداد دانست. مذاهب فقهی اهل سنت این مورد را از شرط لازم برای تحقق ارتداد ندانسته اند.

2-3-5 قصد داشتن به مدلول لفظی و انکار آن بطور جدی

قصد داشتن به مدلولی لفظی که به کار می رود و انکار آن بطور جدی، اگر از روی غفلت یا سهو یا از شدت پریشانی بی اختیار یا بدون شعور کلمه ای بگوید، احکام مرتد بر وی بار نمی شود، همچنین فردی که در حال خواب سخن بگوید یا در حال بیهوشی بر زبان آورده، توجهی نمی شود. همچنین اگر در حال خشم و غضب سخن کفرآمیزی بر زبان جاری شود، حکم به ارتداد نمی شود. (الجبعی العاملی، 1410، 212) مذاهب فقهی اهل سنت این شرط را بیان ننموده اند. ولی حنابله در قسمت شرط کمال عقل به عدم صحت ارتداد فرد بیهوش و نیز فرد خواب و فردی که بیمار است حکم نموده اند، (مجموعه من کبارا ساتده الفقه الاسلامی، 1411، 412). یعنی این گونه افراد در واقع در آن حالی که در آن قرار دارند فاقد کمال عقل هستند.

2-4 راههای اثبات ارتداد

در صورتی احکام ارتداد جاری می شود که به شکلی، ارتداد فردی اثبات شود. بر همین اساس در فقه اسلامی اشاره شده که به صور زیر می توان ارتداد فردی را اثبات نمود:

2-4-1 اقرار

اقرار یعنی کسی که مرتد شده، دو بار به ارتداد و کفر خویش اقرار و اعتراف کند. این راه اثبات ارتداد، توسط امامیه بیان گردیده و پذیرفته شده، حضرت امام (ره) نیز در این باره فرموده اند: "ارتداد با شهادت دو مرد عادل و به وسیله اقرار ثابت می شود و احوط آن است که اقرار دو بار صورت گیرد...." (الموسوی الخمینی، 1363، 495).

یادآوری این نکته خالی از فایده نیست که مذاهب فقهی اهل سنت به این راه اثبات ارتداد، اشاره ننموده اند.

2-4-2 شهادت دو مرد عادل

شهادت دو مرد عادل که بصراحت از فردی شنیده باشند که گفته من منکر خدای یگانه هستم یا منکر نبوت حضرت محمد(ص) می باشم، و اگر به لفظ دیگری بگویند که به انکار صراحت نداشته باشد و شاهدها، از آن، انکار را استنباط کنند، حکم به ارتداد داده نمی شود. نکته دیگر آنکه شهادت زنان به تنهایی و بدون همراهی مردان، ارتداد را ثابت نمی کند.

مذاهب فقهی پنجگانه امامیه و اهل سنت ارتداد را از طریق دو شاهد مرد عادل قابل اثبات می دانند. اما مذاهب فقهی چهار گانه اهل سنت معتقدند که اتفاق شاهدها در آنچه که به آن گواهی می دهند، ضروری است، مثلاً هر گاه هر دو شاهد بگویند فلانی کافر شده و قاضی بپرسد که دلیل کفر وی چیست، هر دو شاهد بگویند وی فلان سخن را بر زبان آورده یا فلان کار را انجام داده است". (الغروی، 1419، 640). به نظر اهل سنت اگر از طریق بینه و شاهد اثبات شود که شخصی کاری که موجب ارتداد است را انجام داده ولی خود آن شخص ادعای اکره یا عدم قصد را کند، ادعایش پذیرفته می شود.

بوسیله هر سخن یا عملی که بروشنی دال بر انکار یا مسخره کردن یا سبک شمردن دین باشد

مثل سجده کردن بر بتها، انداختن قرآن در جای پلیدی و زباله، یا انکار یکی از ضروریات دین، مثل انکار وجوب نماز یا حرمت یکی از محرمات بشرط آن که این انکار موجب تکذیب قرآن و پیامبر شود، (فیض، ب، 1373، 416) موجب اثبات ارتداد می گردد. اهل تسنن نیز همانند امامیه معتقدند که می توان از این راه جهت اثبات ارتداد استفاده نمود.

2-5 کیفر ارتداد

مذاهب فقهی اسلامی اعم از امامیه و اهل سنت مجازاتهایی را برای فرد مرتد بیان نموده اند. اما همانگونه که گذشت با توجه به این که امامیه، به دو نوع ارتداد ملی و فطری معتقد هستند بدیهی است که از نظر ایشان این دو نوع مرتد مجازاتهای متفاوتی دارند. بر همین اساس ابتدا تفکیک به نظریات مذاهب فقهی اهل تسنن اشاره می گردد.

2-5-1 کیفرهای مرتد فطری از نظر امامیه

امامیه مجازات های مرد و زن مرتد فطری را متفاوت می دانند، زیرا به نظر ایشان اگر مرتد فطری مرد باشد، مجازاتهایی از قبیل نداشتن ولایت در به ازدواج درآوردن دختر، گسسته شدن پیوند ازدواج، کیفرهای مالی و کیفر اعدام را خواهد داشت؛ بدین صورت که از نظر امامیه مرد مرتد نمی تواند دخترش را به ازدواج کسی درآورد، چون بر دخترش ولایتی ندارد. (امینی و آیتی، 1375، 460).

از جمله کیفرهای مرد مرتد فطری آن است که همسرش از وی جدا می شود و بدون نیاز به صیغه طلاق، پیوند ازدواج وی با همسرش از هم گسسته می شود. و همسر وی عده وفات نگه می دارد و پس از سپری شدن عده، اگر خواست ازدواج می کند. از کیفرهای دیگر مرد مرتد فطری، آن است که بعد از آن که دیون اموالش پرداخت شد، اموال وی بین ورثه شرعی تقسیم می شود. هر چند که زنده باشد، (چون مرده تلقی می شود). مرد مرتد فطری از مسلمان ارث نمی برد و چنانچه وارثی نداشته باشد، امام وارث وی خواهد بود. (طوسی، بی تا، ص 283) از کیفرهای دیگر مرد مرتد فطری اعدام وی و عدم پذیرش توبه اش می باشد. با این وجود بعضی از فقهای امامیه از قبیل ابن جنید و اسکافی و صاحب مسالک و صاحب جواهر و صاحب عروه به پذیرش توبه مرتد فطری معتقد هستند. (یزدی، 245، 1374) مرحوم صاحب مسالک

در این باره گفته: "عموم ادله معتبره فقهی دلالت بر قبول توبه مرتد دارد و تخصیص زدن عموم و مقید ساختن مطلقات این ادله خالی از اشکال نیست". (الموسوی الخمینی، 1363، 608)

به نظر حضرت امام (ره) در برخی از موارد توبه مرتد فطری ظاهراً نیز پذیرفته می شود، همانگونه که امکان قبول عبادات، طهارت و پاکی بدن وی و تملک اموال جدید، که از راههای شرعی مثل تجارت و حیازت وارث به دست آورده، وجود دارد و نیز جایز است که با زنان مسلمان یا زن سابق خود ازدواج کند.

در فرضی که برای مرتد فطری حکم اعدام در نظر گرفته می شود، چنانچه مرد مرتد فطری پس از ارتدادش مجنون شود، جنون وی باعث سقوط حکم اعدامش نخواهد شد. (امینی و آیتی، 1375، 461)

2-5-2 کیفرهای زن مرتد فطری از نظر امامیه

در فقه امامیه برای زنی که مرتد فطری است کیفرهایی از قبیل گسسته شدن پیوند زناشویی، زندان و ضرب و سخت گیری در نظر گرفته شده است بدین ترتیب زنی که مرتد فطری است، اموالش در ملکیت خودش باقی می ماند و به ورثه اش منتقل نمی شود مگر با مرگش و در صورتی که دخول صورت نگرفته باشد، بدون طلاق از همسرش جدا می شود و از زمان ارتدادش عده نگه می دارد. چنانچه زن در اثناء عده توبه کند، بدون نیاز به عقد مجدد، با شوهرش زندگی می کند. زن هر چند که مرتد فطری باشد، اعدام نمی گردد بلکه زندان ابد می شود و در اوقات نماز او را می زنند و او را به سخت ترین کارها می گمارند و زبرترین جامه ها را بر او می پوشانند و به او بدترین خوراکیها را می خوراندند تا توبه کند یا بمیرد. و اگر مرتد شدن زنی تکرار شود، در چهارمین بار، اعدام خواهد شد و توبه وی باید با اقرار به آنچه که انکار کرده همراه باشد و نماز خواندن کفایت نمی کند.

2-5-3 کیفرهای مرتد ملی از نظر امامیه

در فقه امامیه برای مرتد ملی کیفرهایی از قبیل گسسته شدن پیوند زناشویی، و کیفرهای زندان و احیاناً اعدام در نظر گرفته شده است. بر این اساس چنانچه ارتداد مرد یا زن مرتد ملی پیش از دخول تحقق یافته باشد، عقد ازدواج آنها فسخ می گردد، اگر ارتداد ایشان پس از دخول صورت گرفته باشد، فسخ ازدواج ایشان متوقف بر انقضای مدت عده خواهد بود، یعنی اگر مرتد، در هنگام عده توبه کند، ازدواج وی با همسرش به حال خود باقی می ماند و چنانچه ایام عده سپری شود و توبه ای صورت نگیرد، زن و مرد از یکدیگر جدا خواهند شد. در فرضی که ارتداد، پیش از دخول تحقق یافته، چنانچه مرد مرتد شده باشد، باید نصف مهریه زن را به زن بپردازد، و چنانچه زن، مرتد شده باشد، مهریه ای نخواهد داشت. و اگر ارتداد، پس از دخول صورت گرفته باشد، مرد باید همه مهریه زن را به زن بپردازد و چیزی از مهریه زن ساقط نمی شود. (الجبعی العاملی، 1410، 343) یادآور می شود که اموال مرد و زن مرتد ملی به وارثان منتقل نمی شود.

از زن و مرد مرتد ملی خواسته می شود که توبه کنند، چنانچه مرد توبه نکند، به اعدام محکوم می شود. و اگر زنی که مرتد ملی است، توبه نکند، در زندان می ماند. مدت زمان توبه خواهی از مرتد سه روز، و به قولی مدت توبه خواهی از مرتد به مدتی است که امید می رود مرتد در آن مدت توبه کند. چنانچه توبه خواهی از مرد مرتد ملی تکرار شود (یعنی پس از توبه و برگشت به اسلام دوباره کافر شود و از وی خواسته شود که توبه کند). در بار چهارم و به قولی در بار پنجم کشته می شود. چنانچه مرتد ملی پس از ارتدادش مجنون شود، به خاطر ارتدادش اعدام نمی شود، چون اعدام وی مشروط به آن است که وی از توبه امتناع کند و می دانیم که در حال جنون امتناع از توبه معنی ندارد. (امینی و آیتی، 1375، 460)

2-5-4 کیفرهای مرتد از نظر اهل سنت

اهل سنت درباره زن و مرد مرتد و نیز درباره مرتد ملی و فطری، حکم یکسانی بیان می کنند و بین آنها تفاوتی قائل نیستند، چون از نظر ایشان هر نوع مرتدی محکوم به قتل است. تنها حنیفه همانگونه که خواهد آمد، به کشتن زن مرتد حکم نمی دهد.

2-5-4-1 کیفرهای مرتد از نظر حنیفه

همان گونه که گذشت، حنیفه درباره زن و مرد مرتد احکام و کیفرهای متفاوتی بیان نموده اند، به همین خاطر به کیفرهای زن و مرد بطور مجزا اشاره می شود.

2-4-5-2 کیفرهای مرد مرتد از نظر حنیفه

از نظر حنیفه مردی که مرتد شده کیفرهایی همچون گسستن پیوند زناشویی، ممنوعیت ازدواج، کیفرهای مالی و زندان و اعدام را در پی خواهد داشت. بدین صورت که به نظر ایشان اگر مرد مسلمانی مرتد شود، زن وی (چه کتابی باشد و چه مسلمان) از وی جدا خواهد شد، خواه ارتداد پیش از دخول تحقق یافته باشد و خواه پس از دخول. و چنانچه شوهر پیش از دخول روی نموده باشد، زنش حق دارد که نفقه ایامی که در عده است را از وی بگیرد. و چنانچه زن و مرد هر دو مرتد شوند بر ازدواجشان باقی خواهند ماند. (مجموعه من کبار اساتذہ الفقه الاسلامی، 1411، 267).

در خصوص کیفر ممنوعیت ازدواج، حنیفه گفته اند: مردی که مرتد شده مجاز نیست که با زنی که مرتد و یا مسلمان است ازدواج کند.

به نظر حنیفه از جمله کیفرهای مرد مرتد، کیفرهای مالی است، بدین صورت که گفته اند: اگر مرتد مسلمان شود، اموالش از آن خودش خواهد بود. ولی اختلاف نموده اند در این که از چه هنگامی ملکیت مرتد نسبت به اموالش زایل می شود. برخی از ایشان زوال ملکیت مرتد را متوقف بر وضع خودش دانسته اند و گفته اند که در صورت ارتداد، ملکیت وی زایل می شود و برخی دیگر معتقدند که ملکیت مرتد به محض تحقق ارتدادش زایل نمی شود بلکه زوال ملکیتش متوقف بر اعدام وی یا ملحق شدنش به دارالحرب است، در این صورت اگر مرتد بمیرد، یا روشن شود که به دار الحرب گریخته، یا به خاطر ارتدادش کشته شود، اموالی که در زمان مسلمان بودنش به دست آورده فیء خواهد بود البته در هر صورت باید دیون وی پرداخت شود. (الجبعی العاملی، 1410، 345)

به نظر حنیفه از جمله کیفرهای مرد مرتد، زندان و اعدام است، به این صورت که گفته اند: مستحب است که قاضی، اسلام را بر مرتد عرضه کند، و شبهه ای که موجب ارتداد وی شده را بزدايد، چنانچه ارتدادش به خاطر شبهه ای باشد که برایش پیش آمده، اعدام نمی شود. و به قولی چنانچه مرتد در خواست مهلت کند، قاضی سه روز به وی مهلت می دهد و در این سه روز وی را زندانی می کند و اسلام را بر او عرضه می کند. چنانچه مسلمان نشد، به قتل وی حکم می کند. اما اگر مرتد مهلتی را در خواست نکند، بی درنگ کشته می شود، (همان، ص 275). یعنی قاضی به وی مهلتی نمی دهد. اسلام آوردن مرتد بدین ترتیب است که شخص مرتد شهادتین را بر زبان جاری می کند و از همه ادیان بجز دین اسلام و از ارتدادش بیزار می جوید. اقرار زبانی شهادتین تنها (بدون تبری جستن از دیگر ادیان و ارتداد) کفایت نمی کند و توبه به حساب نمی آید. و چنانچه مرتد، ارتداد خویش را انکار کند و به توحید و نبوت و دین اسلام اقرار و اعتراف کند، توبه تلقی می شود.